نگاهی به مجاهدت‌های سردار حاج عباس سرخیلی فرمانده تیپ زرهی ۷۲ محرم که هفته گذشته به یاران شهیدش پیوست

فرمانده‌ای گمنام و بی‌ادعا با سابقه‌ای درخشان

■ احمد محمدتبریزی

پنج‌شنبه هفته گذشته (۱۱ شهریور ۱۴۰۰) خبر درگذشت سردار حاج عباس سرخیلی از فرماندهان و پیشکسوتان دفاع مقدس باعث تألم و ناراحتی دوستان و همرزمان ایشان شد. حاج عباس از نخستین روزهای جنگ در جبهه‌های حق علیه باطل حضور پیدا کرد و همواره در صف اول مبارزه حضور داشت. این مجاهد خستگی ناپذیر تجربیات گرانبها و ارزشمندی از هشت سال دفاع مقدس داشت و در عملیات‌های مهم و سرنوشت‌سازی حضور پیدا کرده بود.

■ **افسوس بزرگ**

رفتن هر رزمنده افسوس زیادی را به دنبال دارد. هر کدام از این رزمندگان دریایی از خاطرات و ناگفته‌های زیادی از هشت سال دفاع مقدس هستند و متأسفانه درگذشت هر کدام از این انسان‌های مخلص و بی‌ادعا عموم مردم و به ویژه نسل‌های جوان را از این خاطرات و تجربیات محروم می‌کند.

حاج عباس سرخیلی نیز یکی از همین نیروهای بی‌ادعا، گمنام و مخلص بود. سخت حاضر به گفت‌وگو می‌شد ولی وقتی که لب به سخن باز می‌کرد، پر از حرف و گفتنی بود. او با شهدای زیادی رفاقت داشت و خودش در موقعیت‌های مختلفی حاضر شده بود و حرف‌های زیادی برای گفتن داشت. ای کاش اجل مهلت می‌داد و بیشتر پای صحبت‌های حاج عباس می‌نشستیم و او بیشتر از فرهنگ دفاع مقدس و آن مردان خدایی و باصفا می‌گفت. آنطور که از زبان خود حاج عباس شنیدیم، وی با شروع جنگ تحمیلی خیلی زود به جبهه‌ها شتافت و پس از اشغال خرمشهر به همراه دیگر همرزمانش در جبهه آبادان مستقر شد و در تقویت خطوط دفاعی منطقه تلاش کرد. سرخیلی در یکی از گفت‌وگوهایش با روزنامه جوان، درباره شرایط آن روزها و حضورش در جبهه چنین گفته بود: «در کل جنگ ما آنچه بلد بودیم را انجام دادیم. من کارمند صنعت نفت بودم، جنگ که شد آمدم بسیجی‌وار در سپاه خدمت کردم. مثل شهید مهدی باکری که شهردار بود و تا لحظه شهادتش هم عضو رسمی سپاه نشد. یا آقای مرتضی قربانی قبل از ورود به سپاه بنا بود. شهید همت معلم بود و... ما آنچه را که بلد بودیم انجام دادیم. برادران ارتشی هم همینطور. هرچه در توان داشتند در طبق اخلاص گذاشتند.»

■ **فرماندهی تیپ زرهی**

پس از عملیات موفق ثامن‌الائمه و شکست حصر آبادان، واحد زرهی تطبیق آتش سپاه آبادان به فرماندهی عباس سرخیلی تشکیل شد. این فرمانده جوان غنائم جنگی به‌دست‌آمده در عملیات ثامن‌الائمه (ع) که عمدتاً تجهیزات تانک تی ۵۵ بودند را ساماندهی و تعدادی از همرزمانش را برای گذراندن دوره آموزشی زرهی راهی پادگان شهید غیور اصلی دیلم کرد. در عملیات الی‌بیت‌المقدس و فتح خرمشهر، عباس سرخیلی علاوه بر فرماندهی واحد زرهی تطبیق آتش سپاه آبادان، مسئولیت تطبیق آتش قرارگاه نصر را هم بر عهده داشت و همراه لشکر ۳۰ زرهی، برای پشتیبانی از تیپ ۴۶ فجر در غرب رودخانه کارون وارد عمل شدند.

ورود به خرمشهر لحظه‌ای تاریخی برای عباس سرخیلی و دیگر رزمندگان بود. او سوار بر یک دستگاه موتور تریل ۱۲۵ از منطقه کشتارگاه خرمشهر وارد شهر شد و همراه دیگر نیروها هنوز چند متری بیشتر نرفته بودند که به یکباره سپاهیان شکست خورده دشمن را با بدن‌هایی عریان و خسته زیر تابش سوزان آفتاب دیدند که دست‌هایشان را به نشانه تسلیم بالا برده بودند و الله‌اکبر می‌گفتند و الموت الصدام سر می‌دادند. این صحنه‌ها یکی از خاطره‌انگیزترین و ماندگارترین لحظات برای حاج عباس و دیگر رزمندگان بود.

حاج عباس سرخیلی در عملیات رمضان حضوری پررنگ داشت. ایشان در یکی از گفت‌وگوهایش عملکرد نیروها در عملیات رمضان را چنین بیان کرده بود: «عملیات رمضان دارای قرارگاه‌های «قدس، فجر، فتح و نصر» بود و من به عنوان مسئول تیپ زرهی قرارگاه قدس مشغول کار شدم. قرارگاه قدس در عملیات رمضان دارای دو تیپ بعثت به فرماندهی شهید امینی و تیپ ۴۱ ثارالله به فرماندهی حاج قاسم سلیمانی بود.

عملیات رمضان برخلاف عقب‌نشینی‌هایش موفق بود، چراکه توانستیم از دژ مرزی ایران تا پاسگاه «زید» به فاصله ۱۰ کیلومتر وارد خاک عراق شویم و تا پشت دیوارهای شهر بصره و کانال پرورش ماهی پیشروی کنیم. عراق دارای جدیدترین استحکامات مثلثی شکل بود که به صورت مثلثی و کیلومتری آنها را ایجاد کرده بود. مثلث‌های زرهی دشمن به شکلی طراحی شده بود که ضلع دوم آن نامعلوم بود و این نکته را می‌رساند که توان نظامی روس‌ها و اسرائیلی‌ها، عراقی‌ها را در این عملیات مورد حمایت قرار داده است. کانال پرورش ماهی با داشتن ۳۰ کیلومتر طول و یک کیلومتر عرض در نزدیکی «تنومه و بصره» به عنوان بزرگ‌ترین مانع برای پیشروی ما محسوب شد.»

این رزمنده جوان در آن روزها در مدت زمان کوتاهی پر از تجربه‌های ارزشمند شده بود. حضور در میدان جنگ و مواجهه مستقیم با دشمن، نیروها را پخته و آماده کرده بود. آنها در میدان نبرد همه چیز را در مقیاس حقیقی تجربه می‌کردند و جنگ برای آنها مثل دانشگاهی بزرگ با دستاوردهایی عظیم بود. هر کدام از این عملیات‌ها آزمون‌هایی بزرگ بودند که درس‌های زیادی برای آموختن و یادگیری داشت.

در عملیات والفجر مقدماتی، عباس سرخیلی که همچنان فرماندهی واحد تطبیق آتش سپاه آبادان را بر عهده داشت، مسئولیت تطبیق آتش قرارگاه قدس را نیز عهده‌دار بود و پشتیبانی آتش لشکر ۷ ولیعصر (عج) و لشکر ۱۵ امام حسن مجتبی(ع) را انجام می‌داد. پس از عملیات والفجر مقدماتی، فرمانده کل سپاه تصمیم به سازمان‌دهی تیپ‌های مستقل زرهی گرفت و در خرداد ۱۳۶۲، حکم فرماندهی تیپ مستقل زرهی ۷۲ محرم برای عباس سرخیلی ابلاغ شد. فرمانده همراه تیپ ۷۲ محرم راهی منطقه عملیاتی پاسگاه زید شدند و سپس در عملیات خیبر در منطقه طلائیه حضور داشتند و پس از پایان عملیات، یگان در احتیاط عملیاتی قرارگاه کربلای ارتش قرار گرفت.

سرخیلی نحوه راه‌اندازی تیپ زرهی را اینگونه توضیح داده بود: «تیپ زرهی سپاه، بیشتر با غنیمت‌هایی که از دشمن به دست می‌آورد، تجهیزاتش را تأمین می‌کرد. نخستین تیپ زرهی توسط «امانی» که معاون سردار فتح‌الله جعفری بود، شکل گرفت و نیروهایی از کرمان، خوزستان، لرستان و فارس در آن حضور داشتند و من هم با دریافت حکمی از سوی سردار «شمخانی» عهده‌دار تشکیل تیپ زرهی سازمان یافته و تکمیل شده «۷۲ محرم» شدم. اول خرداد ۱۳۶۲ بود که موفق شدیم یک تیپ زرهی سازمان یافته با چند گردان شکل دهیم، هر چند قبل از ما تیپ ۳۰ زرهی توسط سردار جعفری وجود داشت اما تیپ ۷۲ محرم با تشکیل گردان‌های مشخص و پرسنل آن به صورت مستقل به آموزش نیروهای خود پرداخت.»

■ **کربلای ۴و۵**

از سال ۱۳۶۴ به این سو، تیپ ۷۲ محرم در لشکر ۸ نجف به فرماندهی حاج احمد کاظمی ادغام شد و در عملیات کربلای یک و آزادسازی مهران در کنار رزمندگان ۸ نجف نقش مهمی ایفا کرد. اما در آستانه عملیات‌های مهم کربلای ۴ و ۵ تیپ ۷۲ محرم از لشکر ۸ نجف منفک شد و گردان زرهی مستقل ۷۲ محرم، مجدداً سازمان‌دهی و در مقر سپنتا در کیلومتر ۵ جاده اهواز- خرمشهر مستقر شدند. در پایان سال ۱۳۶۵، عباس سرخیلی که فرماندهی گردان زرهی مستقل ۷۲ محرم را بر عهده داشت، نیروهایش را برای عملیات کربلای ۴ و ۵ سازمان‌دهی کرد و در این دو عملیات حضور یافتند.

سرخیلی عملکرد نیروها در این دو عملیات بزرگ را اینگونه توصیف کرده بود: «اواخر جنگ ما باید دست به انجام شیوه‌های جدید می‌زدیم. یا تونل می‌زدیم یا هلی‌برد می‌کردیم. اگر تونل آن زمان به فکرمان می‌رسید جواب می‌داد. البته نباید هیچ ایرادی گرفت چون ما هر چه بلد بودیم را انجام دادیم. این هدیه‌ای الهی بود که جوانان ۲۳، ۲۴ ساله آمده بودند و چیزی را که در ذهنشان بود به بهترین شکل انجام می‌دادند. با تمام این تفاسیر عملیات کربلای ۴، دریچه‌ای برای انجام عملیات بزرگ کربلای ۵ با فاصله کوتاهی بود. وقتی ما کربلای ۴ را از شلمچه انجام دادیم استحکامات عراق در شلمچه شرق به غرب و رو به خرمشهر بود. فکر می‌کرد ما از جاده شلمچه مستقیم می‌آییم اما ما در کربلای ۵ از شمال به جنوب عمل کردیم و تأسیسات و استحکامات دشمن پشت‌مان واقع شد. این یکی از راهکارهای بکری بود که از تجربه کربلای ۴ به دست آمده بود. عراق اینجا باید شمال به جنوب با ما می‌جنگید. بنابراین آن استحکامات جلوی ما نبود و یکی از موانع از پیش‌رویمان برداشته شده بود و ما در کربلای ۵ موفق‌تر عمل کردیم.»

■ **حاج عباس بی‌ادعا**

حاج عباس سرخیلی تا آخرین روزهای دفاع مقدس به همراه نیروهایش در منطقه حضور داشت و مشغول حفاظت و حراست از مرزهای کشورمان بود. در دوران دفاع مقدس یکی از برادرانش به نام محمود به شهادت رسید و برادران دیگرش همپای خودش در مناطق عملیاتی حضوری پررنگ داشتند.

حبیب احمدزاده پس از درگذشت حاج عباس، در متنی دلنشین درباره این فرمانده خوشنام و شجاع چنین نوشت: «چند روز پیش یکی از بزرگ‌ترین کارشناسان پژوهشی اسرائیلی درباره دلیل شکست نیروهای امریکایی و اسرائیلی و کشورهای عرب منطقه در برابر ملت ما گفته بود ایرانیان با هوش ذاتی و تاریخی‌شان در جنگ ایران و عراق نفراتی پرورش داده‌اند که وزن هر تک نفرشان در هر ارتشی در جهان نیز با طلا قابل مقایسه نیست؛ چون چنین افرادی هر کدام به مثابه یک لشکر پر از تجربه در سازماندهی، تاکتیک رزمی و جانفشانی بی‌دریغ در صحنه جنگ عمل می‌کنند. حاج عباس بی‌ادعای ما هم با تمام تجربیاتش از انواع تانک‌ها، خمپاره‌ها و توپخانه‌ها در نبردهای بزرگ، یقیناً از این افراد بود. روحت شاد فرمانده من.»

> حاج عباس سوار بر یک دستگاه موتور تریل ۱۲۵ از منطقه کشتارگاه خرمشهر وارد شهر شد و همراه دیگر نیروها هنوز چند متری بیشتر نرفته بودند که به یکباره سپاهیان شکست خورده دشمن را با بدن‌هایی عریان و خسته زیر تابش سوزان آفتاب دیدند که دست‌هایشان را به نشانه تسلیم بالا برده بودند و الله‌اکبر می‌گفتند و الموت الصدام سر می‌دادند

> ایرانیان با هوش ذاتی و تاریخی‌شان در جنگ ایران و عراق نفراتی پرورش داده‌اند که وزن هر تک نفرشان در هر ارتشی در جهان با طلا قابل مقایسه نیست؛ چون چنین افرادی هر کدام به مثابه یک لشکر پر از تجربه در سازماندهی، تاکتیک رزمی و جانفشانی بی‌دریغ در صحنه جنگ عمل می‌کنند. حاج عباس بی‌ادعای ما هم با تمام تجربیاتش از انواع تانک‌ها، خمپاره‌ها و توپخانه‌ها در نبردهای بزرگ، یقیناً از این افراد بود

حاج عباس سرخیلی در حال گفت‌وگو با آیت‌الله جمعی

یادکرد

شهید محمد صنیع‌خانی، از مبارزه با مواد مخدر تا حضوری خستگی‌ناپذیر در ترابری

رزمنده هزار سنگر برای حل بحران‌های بزرگ آماده بود

■ آرمان شریف

بچه‌های جنگ شهید محمد صنیع‌خانی را با عناوینی چون مدیریت جنگ، حمل و نقل نیروی انسانی، تجهیزات، مهمات، ادوات، مواد غذایی و... می‌شناسند. مردی خستگی‌ناپذیر که در تمام عرصه‌ها آماده خدمت بود و هر کاری را که برای پیشبرد جبهه‌ها از دستش برمی‌آمد انجام می‌داد. شهید صنیع‌خانی در عرصه‌های مختلف مأموریت و مسئولیت‌هایش را به نحو احسن انجام می‌داد و خاطراتش هنوز در ذهن همرزمانش ماندگار است.

■ **مبارزه با مواد مخدر**

شهید صنیع‌خانی در دوران مبارزات انقلابی حضوری فعال داشت. در پاییز ۱۳۵۷ در حال توزیع اعلامیه‌های امام(ره) توسط ساواک دستگیر و زندانی شد ولی این دستگیری خیلی به درازا نکشید و با اوج گرفتن مبارزات مردمی محمد نیز به خانه بازگشت. او در روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در کمیته استقبال از امام خمینی(ره) در بهشت زهرا(س) در گروه انتظامات مراسم، فعالیت کرد و در حماسه ۱۹ تا ۲۲ بهمن در تسخیر مراکز مهم و پادگان‌ها نقش مهمی داشت.

یکی از مهم‌ترین اقدامات شهید صنیع‌خانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی پایه‌گذاری کمیته انقلاب نازی‌آباد بود. در آن زمان یکی از مراکز توزیع مواد مخدر در محله باغ آذری قرار داشت و سیدمحمد مسئولیت مبارزه با قاچاقچیان را بر عهده گرفت. او در بهار ۱۳۵۸ به عضویت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و با شروع جنگ تحمیلی با ایجاد مرکز اعزام نیروی سپاه در محل لانه جاسوسی امریکا، مسئولیت اعزام رزمندگان را به مناطق عملیاتی بر عهده گرفت.

شهید صنیع‌خانی بنیانگذار و فرمانده ترابری سپاه نیز بود. او نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای در ایجاد تحرک در یگان‌های رزم و پشتیبانی و رفع کمبود وسائل نقلیه سنگین ایفا کرد و به خوبی از عهده این وظیفه خطیر برآمد. ترابری سپاه در عملیات والفجر ۸ در ۱۳۶۴ عملیات جابه‌جایی امکانات، تجهیزات و نیروی انسانی را با رعایت اصل غافلگیری با موفقیت به انجام رسانید که یکی از عوامل مؤثر در پیروزی این عملیات به حساب می‌آمد.

■ **رزمنده هزار سنگر**

انتقال ۲ هزار دستگاه خودرو زرهی، تجهیزات و ماشین آلات راهسازی و نیروهای عمل کننده، در عملیات کربلای ۵، تنها در یک شب آن هم با رعایت تمامی جوانب حفاظتی از کارهای به یادماندنی سیدمحمد و یارانش بود. ترابری سپاه در عملیات کربلای ۸ در بندر مهم فاو با ایجاد سرعتی چشمگیر در جابه‌جایی نیروها و تجهیزات رزمی خدمات شایسته‌ای ارائه کرد. ترابری سنگین سپاه با وجود سیدمحمد و همرزمانش در کنار انجام وظیفه اصلی پشتیبانی کلی سپاه برای جابه‌جایی‌های امکانات و تجهیزات و نفرات در سراسر کشور و به‌خصوص یگان‌های رزمی و پشتیبانی و خدمات رزم در تمامی عرصه‌های گوناگونی که ترابری سنگین می‌توانست ایفای نقش نماید با عشق و علاقه وارد می‌شد.

پس از پایان جنگ تحمیلی، او همچنان مدیری توانا برای مهار و کنترل هر بحرانی در سطح کشور بود. در این رابطه، حضوری مؤثر در زلزله رودبار، منجیل و سیل زابل و حوادث مشابه داشت و به مرد حل بحران‌های بزرگ و رزمنده هزار سنگر معروف شده بود. آخرین مسئولیت شهید صنیع‌خانی قائم مقامی بنیاد تعاون سپاه بود اما حضور مستمر در صحنه‌های دفاع مقدس برای پشتیبانی از یگان‌های رزمی، باعث شده بود در معرض گازهای شیمیایی دشمن بعثی قرار گیرد. سیدمحمد در فاو و به‌خصوص در عملیات والفجر ۱۰ در حلبچه در معرض گازهای شیمیایی قرار گرفت و آسیب دید و در نهایت روز چهاردهم شهریور ۱۳۷۴ به شهادت رسید.

> انتقال ۲ هزار دستگاه خودرو زرهی، تجهیزات و ماشین آلات راهسازی و نیروهای عمل کننده، در عملیات کربلای ۵، تنها در یک شب آن هم با رعایت تمامی جوانب حفاظتی از کارهای به یادماندنی سیدمحمد و یارانش بود. ترابری سپاه در عملیات کربلای ۸ در بندر مهم فاو با ایجاد سرعتی چشمگیر در جابه‌جایی نیروها و تجهیزات رزمی خدمات شایسته‌ای ارائه کرد

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۲۹۷

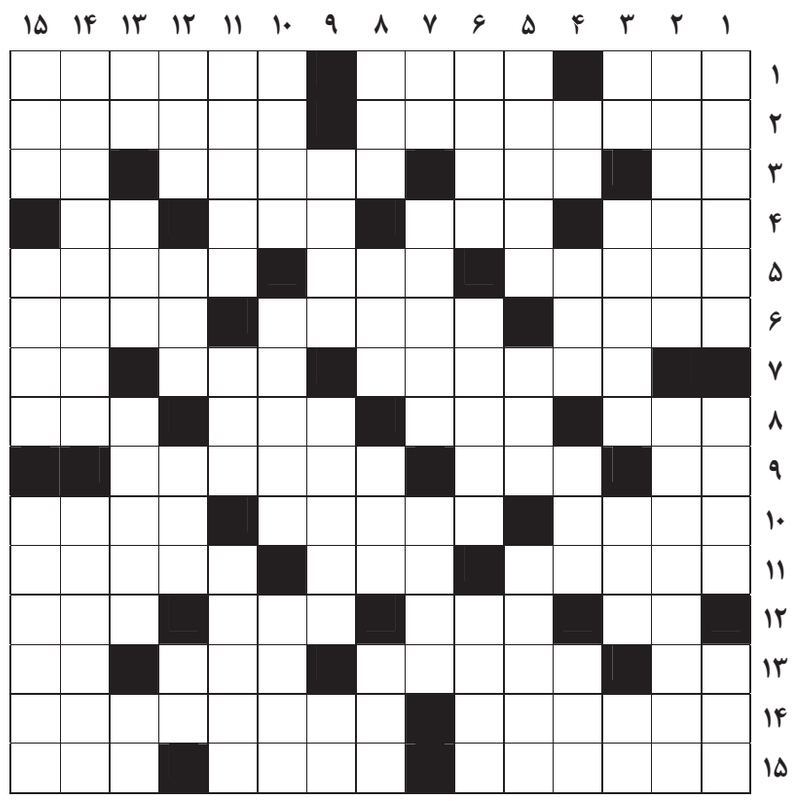

از راست به چپ

■ ۱- شیر- مظهر و نشانه- مقاوم در برابر سختی‌ها ■ ۲- یک سوم چای جهان را تأمین می‌کند- بزرگترین قسمت معده نشخوارکنندگان ■ ۳- تپه و پشته- زاویه خارجی محل تلاقی دو سطح- دانشمند انگلیسی کاشف قوه جاذبه- پایتخت ایتالیا ■ ۴- رتبه دوست داشتنی- دمل و جوش‌های ریز بدن- اجر و مزد- جوی خون ■ ۵- دوست و معشوق- بیماری خطرناک- منزل‌ها ■ ۶- گستره- نوعی خوراک- شرط‌بندی ■ ۷- شیر درنده- کانالی که در سال ۴۸۸ق به وسیله خشایارشا در محل کنونی کانال سوئز برای حرکت ناوگان دریایی ایران ساخته شد- غیرت ■ ۸- پسوند نگهدارنده- دهل- کندن زمین- شش ■ ۹- خاک کوزه‌گری- از پیامبران الهی- فرو بردن سر به زیر آب ■ ۱۰- قطار زیر زمینی- اسب اصیل و نجیب- شجاع ■ ۱۱- آتش برافروخته- مادر باران- کناری ■ ۱۲- سرای مهر- نماز یک رکعتی- نرم و شکننده- سخن تب‌آلود ■ ۱۳- ماه سرد- درک کردن- مخزن سوخت خودرو- سخنی که در آن حلاوت دیگری است ■ ۱۴- قسمت جلوی سن تئاتر- جای نمایش‌دادن کالا یا محصولات ■ ۱۵- میزان‌الحراره- تخته طراحی- سبزی خوراکی

از بالا به پایین

■ ۱- جای مهر- از شهرهای آلمان- صدای عدالت ■ ۲- الگو و سرمشق- ورزشگاه ■ ۳- ویتامین نور خورشید- همسایه سوریه- پول کامبوج- یک بر روی یک ■ ۴- هرگز عرب- هست آذری زبان- ماست چکیده- الفت ■ ۵- صفت دوست بد- محل پرتاب موشک- از دریاچه‌های مرزی کانادا و ایالات متحده ■ ۶- دبیر- قهوه‌ای مایل به سرخ- از مرکبات ■ ۷- صدمه و آسیب- گیاهی در خدمت صنعت رنگرزی- مفید و سودمند ■ ۸- درجه‌ای در رشته‌های رزمی- تن و پیکر- امید و آرزو- کردار نیک یا بد ■ ۹- سمت چپ- گرما- فلز سرچشمه ■ ۱۰- گستاخ- پیدا کردن- آدم آهنی ■ ۱۱- یتیمان- نیمسال تحصیلی- فراق ■ ۱۲- نذر به هم ریخته- پرستار- مادر آذری- مرتجع فلزی ■ ۱۳- پسوند شباهت- وصل کننده مبدأ به مقصد- گیاه- نام قدیم یزد ■ ۱۴- مؤسسه تهیه و پخش اخبار- چاشنی فسنجان ■ ۱۵- گروه ورزشی- یک تای کفش- پزشک مخصوص فرعون

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

						۲		۱
			۱	۴	۹			
۴	۵							
						۳		۹
۲			۳	۱				
۳	۴		۶					
							۶	
۵					۱			۸
	۹	۸			۵		۳	

جدول کلمات متقاطع
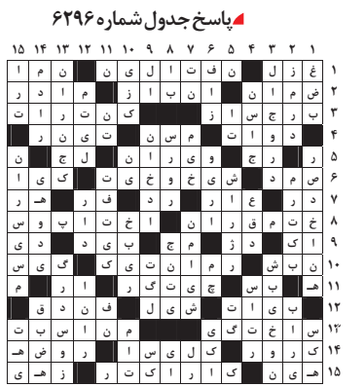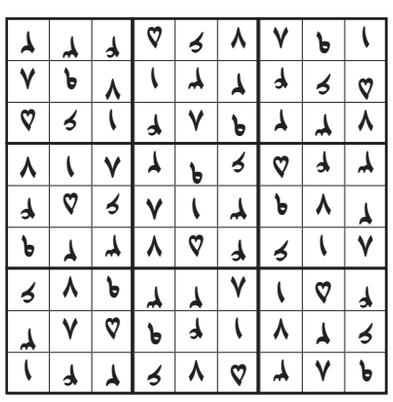
پاسخ جدول شماره ۶۲۹۶